



دانشگاه علامه طباطبائی

دانشکده‌ی روانشناسی و علوم تربیتی

## « پایان نامه »

( برای دریافت درجه کارشناسی ارشد مشاوره خانواده )

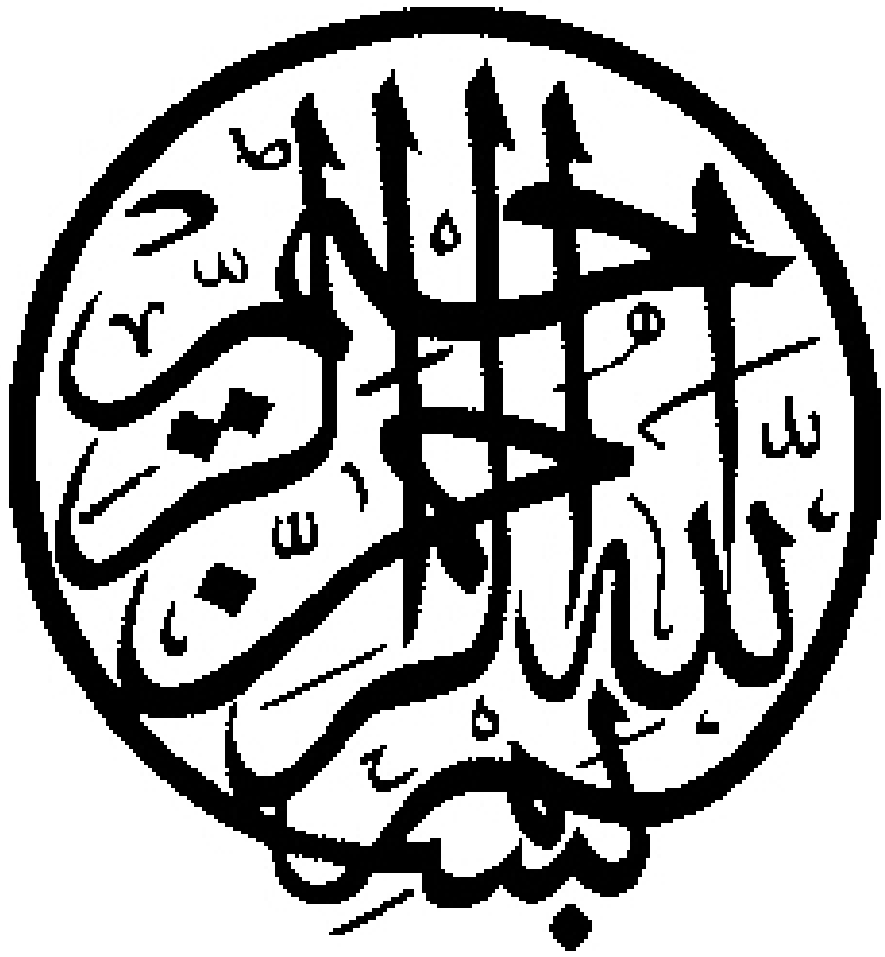
موضوع: بررسی رابطه تعارض ادراک شده والدین با عزت نفس و

سلامت روان نوجوانان شهرستان تهران

استاد راهنما : دکتر معصومه اسماعیلی

استاد مشاور : دکتر حسین سلیمی

پژوهشگر : ژیلای مومنی



**تقدیم به :**

**پدر عزیزم و مادر مهربانم**

**آنان که وجودم برایشان، همه رنج بود و**

**وجودشان برایم همه مهر**

**همسرم**

**که فروغ نگاهش، گرمی کلامش و آفتاب**

**مهرش در اعماق قلبم همیشه پابرجاست.**

**و فرزندانم**

**که امید و سرمایه های زندگی ام هستند.**

## « تقدیر نامه »

در آغاز لازم می‌دانم مراتب تقدیر و تشکر خویش را خالصانه تقدیم بزرگوارانی کنم که بدون همراهی آنها قطعاً انجام این پژوهش میسر نبود .

از استاد بزرگوار، خانم دکتر معصومه اسماعیلی، استاد راهنمای پژوهش که زحمت اصلی تحقیق حاضر را تقبل فرمودند و با دقت نظر علمی خاص خویش در تمام زمینه‌ها همواره مرا راهنمایی و هدایت فرمودند .

از استاد بزرگوار، جناب آقای دکتر حسین سلیمی، استاد مشاور پژوهش که با راهنمایی‌های ارزنده‌شان یافته‌های پژوهش را اعتبار بخشیدند .

همچنین از استاد داور پایان نامه، آقای دکتر حمیدرضا علیزاده که عنایت فرموده و به بهترین شیوه این نوشتار را ارزیابی و داوری نمودند .

در ضمن از کلیه اساتید و دوستان که با ارائه نظرات خویش باعث تحکیم پژوهش گردیدند و همچنین از همسر عزیزم که در تمام مراحل زندگی‌ام همواره در کنارم بود و راه انجام این پژوهش را برایم هموار نمود .

## چکیده

هدف اصلی این پژوهش بررسی رابطه تعارض ادراک شده والدین با عزت نفس و سلامت روان دانش آموزان شهر تهران بود. جامعه آماری این تحقیق را کلیه دانش آموزان پایه اول، دوم و سوم دبیرستان های شهر تهران تشکیل می دادند. اما با توجه به اینکه آموزش و پرورش با اجرای این تحقیق در مناطق مختلف، همکاری لازم را نداشت، در نتیجه منطقه 2 بعنوان جامعه آماری و نمونه ای متشکل از 300 دانش آموز از چهار دبیرستان دخترانه و پسرانه در دسترس غیر انتفاعی که حاضر به همکاری بودند، انتخاب شدند و به پرسش نامه های تعارض ادراک شده بین والدین، عزت نفس کوپر اسمیت، و آزمون سلامت عمومی (GHQ-28) پاسخ گفتند.

تحلیل داده ها نشان داد که چهار بعد سلامت روان با تعارض ادراک شده والدینی رابطه مثبت دارد (همه آنها در سطح 1 درصد معنی دار بودند به جز بعد اضطراب که در سطح 5 درصد معنی دار بود)؛ بدین معنا که هر چه نمرات تعارض ادراک شده بالاتر باشد، نمرات مربوط به افسردگی، اضطراب، علائم جسمانی، و اختلال در کارکرد اجتماعی نیز بالا می رود. همچنین چهار بعد عزت نفس و همچنین نمره کلی عزت نفس با تعارض بین والدینی رابطه منفی و معنی داری داشت (در سطح 1 درصد معنی دار بود)، بدین معنی که هر چه تعارض ادراک شده بین والدین بیشتر باشد؛ نمرات عزت نفس نوجوان کمتر می شود.

بررسی تاثیر متغیر جنسیت به عنوان يك متغیر تعدیل کننده نشان داد که رابطه بین سلامت روان و تعارض ادراک شده والدینی، در مورد دختران معنی دار، ولی در مورد پسران معنی دار نیست.

این در حالی است که رابطه بین عزت نفس با تعارض ادراک شده بین والدین در هر دو جنس، معنی دار است، ولی برای دختران این رابطه خیلی قدرتمند است.

**واژگان کلیدی:** عزت نفس، تعارض ادراک شده بین والدین، سلامت روان، جنسیت

## فهرست مطالب

فصل اول: کلیات تحقیق..... Error! Bookmark not defined.

مقدمه ..... Error! Bookmark not defined.

بیان مسئله ..... 3

اهمیت و ضرورت پژوهش ..... 9

اهداف تحقیق: ..... 10

فرضیه های تحقیق ..... 11

متغیرهای تحقیق ..... 11

تعریف مفاهیم تحقیق ..... 15

الف) تعریف نظری ..... 16

ب) تعریف عملیاتی ..... 16

فصل دوم: ادبیات و پیشینه تحقیق ..... 17

مقدمه ..... 19

21	تعارض
27	ابعاد تعارض
28	1- فراوانی تعارض
31	2- شدت تعارض
Error! Bookmark not defined.	3- محتوی تعارض
33	4- دستکاری تعارض
Error! Bookmark not defined.	5- حل تعارض
35	نظریه های تعارض
36	- فرضیه مدل یابی
36	- فرضیه امنیت هیجانی
	- مدل فرایند محور
37	محتوی تعارض کودکان
40	راهبردهای حل تعارض کودکان
40	اسنادهای غلط
41	- ابهام و سوگیری اسنادخصوصیت جویانه
	پردازش اطلاعات اجتماعی
44	تاثیر تعارض بر کودک
46	- رفتارهای برون ریزی شده
47	- رفتارهای درون ریزی شده
50	پیشرفت تحصیلی

53	..... سن کودک
Error! Bookmark not defined	..... روابط با همسالان
66	..... روابط با همشیرها
Error! Bookmark not defined	..... جنسیت
67	..... عزت نفس
67	..... سلامت روان
67	..... پژوهش های داخل کشور
68	..... پژوهش های خارج کشور
69	..... <b>فصل سوم: روش پژوهش</b>
70	..... مقدمه
71	..... روش تحقیق
72	..... جامعه آماری
Error! Bookmark not defined	..... گروه نمونه و شیوه گزینش آن
76	..... روش اجرای تحقیق
Error! Bookmark not defined	..... ابزار تحقیق
78	..... - پرسشنامه تعارض بین والدینی
81	..... - آزمون کوپر اسمیت
82	..... - آزمون سلامت عمومی (GHQ-28)

روش تجزیه و تحلیل



82	..... فصل چهارم: تجزیه و تحلیل داده ها
84	..... مقدمه
Error! Bookmark not defined	..... تحلیل توصیفی
86	..... تحلیل استنباطی
90	..... فرضیه های تحقیق
90	..... - فرضیه اول
91	..... - فرضیه دوم
91	..... - فرضیه سوم
91	..... فصل پنجم: بحث و نتیجه گیری
91	..... مقدمه
91	..... فرضیه های تحقیق
91	..... - فرضیه اول
91	..... - فرضیه دوم
91	..... - فرضیه سوم
91	..... محدودیت های تحقیق
91	..... پیشنهاد های پژوهشی
91	..... پیشنهاد های کاربردی
91	..... منابع
91	..... پیوست
91	.....

# فصل اول

## کلیات تحقیق

## مقدمه

مخالفت و تعارض، در هر رابطه ای از جمله رابطه زناشویی امری اجتناب ناپذیر است. علی رغم تلاش والدین برای حفظ فرزندهایشان از تعارض، کودکان بطور روزمره با تعارض والدین برخورد دارند. تحقیقات نشان دهنده رابطه بین مواجهه کودک با تعارض والدین و مشکلات عاطفی (افسردگی و اضطراب) و رفتاری (پرخاشگری و بزهکاری) در کودکان بوده است (دیویس<sup>۱</sup> و کامینگز<sup>۲</sup>، 1994؛ گریچ<sup>۳</sup> و فینچام<sup>۴</sup>، 1990). تعارض والدین، کودکان را دچار استرس، ترس و خشم می کند و مواجهه مکرر با تجربه تعارض می تواند منجر به مشکلات رفتاری (کامینگز و دیویس، 2002) و همچنین مشکلات سلامت جسمی در کودکان شود (الشیخ<sup>۵</sup>، هارگر<sup>۶</sup>، و ویتسون<sup>۷</sup>، 2001). رویدادهای استرس زای زندگی یک تهدید بالقوه برای سلامت و رشد سالم کودکان و نوجوانان هستند (چیکتی<sup>۸</sup> و توث<sup>۹</sup>، 1997). روانشناسان سیستم خانواده را یک محیط پر محبت و حمایت کننده برای اعضای خانواده تعریف می کنند. چنانچه خانواده گرفتار کشمکش، کژکاری و خشونت درونی بین افراد شود، جایگاه خود را به عنوان یک پایگاه عاطفی - روانی برای اعضای خود از دست می دهد و روابط بیمارگرانه حاصل از درگیری های درون خانواده، به طور مستقیم پایه ریز و مختل کننده ثبات عاطفی و روانی افراد خانواده شده و زمینه را برای ابتلاء اعضای خانواده به اختلالات روانی فراهم می کند (صیادی، 1381). اگر محیط خانواده نتواند برای اعضای خود محیط سالمی فراهم آورد به نوبه خود می

---

<sup>1</sup> - Davies

<sup>2</sup> - Cummings

<sup>3</sup> - Grych

<sup>4</sup> - Fincham

<sup>5</sup> - El-Sheikh

<sup>6</sup> - Harger

<sup>7</sup> - Whitson

<sup>8</sup> - Cicchetti

<sup>9</sup> - Toth

تواند منجر به آسیب های فراوانی گردد. به خصوص بر روی نوجوانان، چرا که نوجوانان در یکی از بحرانی ترین دوران زندگی خود به سر می برند. ورود به دوره نوجوانی، فرد را با مشکلات فراوانی دست به گریبان می سازد. مشکلات این دوره مستلزم توجه بسیاری از محققین قرار گرفته است (احمدی، 1369). شجاعی زاده و همکاران (1379) بر این عقیده اند که عدم تفاهم اخلاقی والدین، بر کودکان تاثیرات سوء دارد. این عامل به عنوان یک فاکتور ریسک نه تنها در بروز اختلالات رفتاری کودک، بلکه در بلوغ و نوجوانی نیز مطرح می شود. با این وجود، مطالعات و بررسی های انجام گرفته، نشان می دهند که دوره نوجوانی می تواند هم منشاء تحولات مثبت و هم تحولات منفی باشد. مسلماً اینکه نوجوان کدام تحولات را بروز دهد بستگی زیادی به عوامل محیطی، تربیتی و خانوادگی دارد. صافی (1373) نیز عدم امنیت در خانواده و عدم ارضاء نیازهای عاطفی اعضا را از جمله عوامل زمینه ساز سرخوردگی، اضطراب شدید، افسردگی و احساس بی کفایتی ذکر می کند. در حالیکه روابط و تعامل بیشتر و مناسب نوجوانان با والدین ممکن است نوجوانان را به نحو موثری برای مقابله با تنیدگی آماده نماید (برجعی، 1378). با توجه به اینکه محیط زندگی و مخصوصاً محیط خانواده و روابط بین والدین، سهم بسیار زیادی در تعیین سلامت روانی و عزت نفس کودکان و نوجوانان دارد، و قرار گرفتن فرزندان در خانواده متعارض و غیر قابل پیش بینی آنان را در معرض انواع ناراحتی های روانی قرار می دهد، پس بررسی رابطه تعارض ادراک شده بین والدین با رشد و تحول روانشناختی کودکان و نوجوانان حائز اهمیت است.

## **بیان مسئله:**

نوجوانی دوره استقلال، بیان عقاید مخالف و کشمکش با والدین است. دوره ای که تعارضات نوجوان با والدین افزایش یافته و گاهی در دسر ساز می شود. به دلیل مشاهده ی برخوردهای منفی، فوری و حتی شدید در هنگام

تعارض، مطالعه‌ی این فرایند به وسیله پژوهشگران در اولویت قرار گرفته است. در واقع تعارض، به ارتباطی اشاره دارد که نشان دهنده منازعه و کشمکش بر سر اهداف ناسازگار بین دو فرد وابسته به هم است (هاکر<sup>۱</sup> و ویلموت<sup>۲</sup>، 1995).

رویدادهای استرس زای زندگی برای سلامت و رشد کودکان و نوجوانان تهدیدی بالقوه محسوب می شود (چکیتی و توث، 1991). محققان معتقد هستند که تعارض زناشویی می تواند به عنوان یک عامل استرس زا بر کودکان اثر بگذارد و مطالعه طولی، پیش بینی کننده سطوح بالای ناسازگاری کودکان 1 الی 3 سال بعد از تعارضات والدینی بوده است (نیبرز<sup>۳</sup> و همکاران، 1997). کودکان گزارش می کنند که مشاهده تعارض والدین یک عامل استرس زای بالقوه محسوب می شود (لویس و همکاران، 1984) و بررسی های مشاهده ای نشان می دهد که کودکان در هنگام مواجهه با خشم و پرخاشگری والدین، استرس بیشتری نشان می دهند و این استرس با مواجهه مکرر با خشم و پرخاشگری والدین، افزایش می یابد (کامینگز و همکاران، 2000). به رغم توجهی که به نقش تعارض زناشویی، به عنوان یک عامل استرس زای خانوادگی، بر سازگاری و بروندهای عاطفی و رفتاری کودکان و نوجوانان شده است، نقش تعارض در پیش بینی ابعاد مختلف آنان همچنان مورد سوال است. پژوهش ها نشان داده اند که مدیریت تعارض به کیفیت روابط بین افراد، رضایت موجود در این روابط و اسنادی که در مورد طرف مقابل بکار برده می شود، وابسته است (داملا<sup>۴</sup> و بوتاه<sup>۵</sup>، 2000). پژوهشگران در هر دو حوزه روان شناسی و ارتباطات، ادعا دارند که الگوهای ارتباطی بر اساس رمزگردانی و رمزگشایی پیام هایی

---

<sup>1</sup> - Hocker

<sup>2</sup> - Wilmot

<sup>3</sup> - Neighbors

<sup>4</sup> - Dumlao

<sup>5</sup> - Dumlao

که بین افراد خانواده رد و بدل می شود، شکل می گیرند (فیتز پاتریک<sup>۱</sup> و ریتچی<sup>۲</sup>، 1994) و در نحوه بکار گیری داده ها در تعاملات آینده مورد استفاده قرار می گیرند.

الگوهای ارتباطات خانواده، نخستین بار به وسیله مک لئون و چافی (1972) معرفی شد. آن ها باور داشتند که الگوهای ارتباطی بیش تر از اینکه یک خصیصه شخصیتی باشند، حاصل تجارب ناشی از تعاملات خانوادگی هستند. فرم تجدید نظر شده ی این ابزار، دو بعد گفت و شنود و همنوایی را معرفی می کند (ریتچی و فیتز پاتریک، 1990). جهت گیری همنوایی به شرایط محیطی اشاره دارد که بیان کننده میزان سازگاری و توافق در نگرش ها، ارزش ها و باورها در بین اعضای خانواده است که علت آن تایید، ثبات قدرت و کنترل والدین است (ریتچی، 1991). جهت گیری گفت و شنود به گفت و گوی آزاد و حمایتی بین اعضای خانواده اشاره دارد، به گونه ای که هر فرد تشویق می شود افکار و احساسات خود را به صورت مستقل بیان کند. بر اساس این دو بعد، چهار الگوی ارتباطات خانواده تشکیل می شود: خانواده های کثرت گرا، حفظ کننده، توافق کننده و به حال خود گذارنده. خانواده های کثرت گرا نمره بالایی در جهت گیری گفت و شنود، ولی نمره پایینی در جهت گیری همنوایی کسب می کنند. آن ها از بیان باورها به صورت آزاد در یک محیط خانواده حمایت می کنند. بر خلاف این خانواده ها، خانواده هایی حفظ کننده نمره پایینی در جهت گیری گفت و شنود و نمره بالایی در جهت گیری همنوایی دارند که نشان دهنده تاکید بر قدرت والدین و اطاعت از آنان است. خانواده های توافق کننده در هر دو جهت گیری نمره بالایی را کسب می کنند. این خانواده ها فرزندان خود را تشویق می کنند تا احساسات و نظرات خود را بیان کنند. اما تا جایی که با والدین خود مخالفت نکنند. در آخر خانواده های به خود واگذارنده هستند که در هر دو جهت گیری نمره پایینی را می گیرند. در این خانواده ها تعامل بین

---

<sup>1</sup> - Fitzpatrick

<sup>2</sup> - Ritchie

والد- فرزند بسیار محدود است و کودکان این خانواده ها به راحتی تحت تاثیر گروههای بیرون از خانواده قرار می گیرند(کرنر<sup>1</sup> و فیتز پاتریک، 2002).

ابزار تجدید نظر شده ی الگوی ارتباطات خانواده (ریتچی، 1991) شیوه ای را جهت اندازه گیری طرحواره های والد- فرزند پیشنهاد می کند که شامل نحوه تفسیر کودکان و نوجوانان از رفتارهای کلامی و غیر کلامی والدینشان است. مسلماً هنگامی که نحوه تفسیر متفاوت باشد، رفتارهای فرزندان در مقابل والدین نیز متفاوت خواهد بود و در اینجا است که بحث سبک های تعارض به نوع ارتباطات ربط پیدا می کند. برای درک بهتر توضیح کوتاهی در مورد سبک های تعارض بیان می شود.

سبک های تعارضی در واقع بیان می کنند که با تعارض بوجود آمده چگونه باید برخورد شود. در همین راستا، سبک های تعارض جهت مطالعه ارتباطات دو نفر در موقعیت های تعارض، طرح ریزی شدند. پژوهشگران در این زمینه، سبک های تعارضی متفاوتی را معرفی کرده اند که همه آن ها از دو بعد مشارکت و قاطعیت ساخته شده اند. مشارکت به این اشاره دارد که فرد چقدر به خواسته های طرف مقابل توجه دارد و قاطعیت به رضایت خود فرد در موقعیت بر می گردد.

در این میان کامل ترین طبقه بندی متعلق به رحیم<sup>2</sup> و مگنر<sup>3</sup> (1995) است که 5 نوع سبک تعارضی را معرفی می کنند: اجتنابی، خدمتکارانه، سلطه گرانه، مصالحه گرانه و موتلفانه. در سبک اجتنابی، فرد کمرو و بدون قاطعیت و در روابط غیر مشارکتی است؛ در نتیجه، در موقعیت تعارضی باقی نمی ماند. افراد اجتنابی سعی می کنند از موقعیت تعارضی فرار کنند. سبک خدمتکارانه، با نوعی تسلیم شدگی و اطاعت همراه است و به فرد

---

<sup>1</sup> - Koerner

<sup>2</sup> - Rahim

<sup>3</sup> - Magner

روبه رو اجازه می دهد که به او بگوید چه می خواهد. در نتیجه، این شیوه شامل مشارکت فرد بوده، اما قاطعیت و جرات در آن وجود ندارد و فرد نمی تواند رک و بی پرده حرف خود را بزند. سبک سلطه گرایانه با رفتارهای قاطع و غیر مشارکتی شناخته می شود. در این سبک فرد در مقابل دیگران دارای قدرت است. افرادی که از این شیوه استفاده می کنند، انعطاف بسیار کمی در حل تعارضات پیش آمده از خود نشان می دهند و همین رفتار باعث بیش تر شدن تعارض می شود. سبک مصالحه گرایانه یک راه حل میانه پیشنهاد می کند که هر دو فرد راضی باشند. هر فرد از برخی خواسته هایش می گذرد و برخی را حفظ می کند. در این شیوه دو بعد مشارکت و قاطعیت در حد میانه وجود دارد. افرادی که این سبک را دارند، تعهد بالایی در موقعیت تعارضی حس می کنند، اما در بیان باورهای خود ضعیف هستند. این سبک همراه با انعطاف بالایی است. در سبک متلفانه، هر دو بعد قاطعیت و مشارکت بالا و فعال است. هر دو فرد سعی می کنند، موقعیت تعارضی را دوباره تعریف کنند و راه حلی بیابند که خواسته های هر دو را در نظر بگیرد. در این مسیر دو نفر داده های زیادی را در مورد موقعیت تعارضی و درک خود از این موقعیت با هم رد بدل می کنند.

تحقیقات مختلف به این نتیجه رسیده اند که تعارض های ادراک شده ی والدینی با نا سازگاری در کودکان و نوجوانان، رابطه معنی داری دارند (کامینگز، داویس، 2002؛ کامینگز، گوئک- موری، و پاپ<sup>1</sup>، 2003). متأسفانه، شیوع مواجهه کودکان و نوجوانان با تعارض های بین والدینی بالا است (مارگولین<sup>2</sup>، الیور<sup>3</sup>، و مدینا<sup>4</sup>، 2001). با این حال، اکثر فرزندان علی رغم زندگی در شرایط تعارضی بین والدین باز هم می توانند به خوبی با این شرایط سازگاری یابند.

---

<sup>1</sup> -Papp

<sup>2</sup> - Margolin

<sup>3</sup> - Oliver

<sup>4</sup> - Medina



همان طور که تحقیقات نشان داده اند، تعارضات والدینی هم به صورت مستقیم و هم به صورت غیر مستقیم بر کنش وری روانی کودک، از نوزادی تا نوجوانی تاثیر می گذارند (بوئهلر<sup>۱</sup> و همکاران، 1998). مطالعات تجربی نشان داده اند که کودکان و نوجوانانی که در خانواده های دارای انسجام درونی بزرگ می شوند، نسبت به کودکان خانواده های از هم گسیخته، از آشفتگی روانی کمتری برخوردار هستند. نوجوانان متعلق به خانواده های غیر منسجم سطح سلامت روان کمتری را نشان می دهند (هترینگتون<sup>۲</sup>، استنلی - هاگان<sup>۳</sup>، 1999). تحقیقات به طور گسترده از این ایده حمایت می کنند که ادراک نوجوانان از تعارضات زمانی که رابطه تعارض بین والدین با سازگاری را مورد بررسی قرار می دهیم اهمیت بسیاری دارد (کامینگز، دیویس، و سیمپسون، 1994؛ جرارد<sup>۴</sup>، بوئهلر، فرانک<sup>۵</sup>، و اندرسون<sup>۶</sup>، 2005). کودکان و نوجوانانی که سطوح بالایی از تعارض ادراک شده را گزارش می کنند سطوح بالایی از مشکلات برون ریزی شده و درون ریزی را نشان می دهند (کامینگز و همکاران، 2003).

با توجه به ادبیات مطرح شده سوال اساسی محقق در این پژوهش عبارت است از اینکه آیا بین تعارض ادراک شده والدین با سلامت روان و عزت نفس نوجوانان رابطه وجود دارد؟

## اهمیت و ضرورت پژوهش

---

<sup>1</sup> - Buehler

<sup>2</sup> - Hetherington

<sup>3</sup> - Stanley-Hagan

<sup>4</sup> - Gerard

<sup>5</sup> - Franck

<sup>6</sup> - Anderson

نوجوانی یکی از حساس ترین مراحل تحول انسان به شمار می رود. سنین نوجوانی همراه با تغییرات سریع الگوهای رفتاری است و این تغییرات، نوجوان را در معرض گسترش رفتارهای پر خطر بهداشتی قرار می دهد که تاثیر آن تا سال ها بعد، حتی تا آخر عمر باقی می ماند. مسائل مربوط به روانشناختی نظیر عزت نفس، سلامت روان، و هویت به عنوان مسائلی هستند که حیات انسان را در این دوره تحت شعاع قرار می دهند. تحقیقات نشان داده اند که برخی از نوجوانان به راحتی و با آرامش بیشتری از این مرحله گذر کرده ولی برخی دیگر از نوجوانان مشکلات زیادی در طی این مراحل دارند.

شناسایی عوامل موثر بر این بحران ها و پیامدهای روانشناختی مربوط به دوران نوجوانی، از اهمیت اساسی برخوردار بوده و یکی از عوامل موثر در پیامدهای روانشناختی نوجوانی با توجه به ادبیات مطرح شده ادراک نوجوانان از تعارض بین والدین است، چرا که این ادراک تعارض می تواند سلامت روان و بهداشت فردی نوجوان را متاثر سازد.

با توجه به این که پژوهش های کمتری به ویژه در ایران، در حوزه ادراک از تعارض والدین و نقش این تعارضات در عزت نفس و سلامت روان نوجوانان صورت گرفته است، از این رو نتایج این پژوهش می تواند در بسط ادبیات این حوزه موثر بوده و سبب ساز پژوهش های دیگری از این دست شود.

علاوه بر این، نتایج این پژوهش می تواند در قالب گارگاه های آموزشی و سایر روشها به منظور بازخورد دادن به جامعه مبنی بر بکار گرفتن شکل صحیحی از رابطه بین والدین و فرزندان، آموزش داده شوند. همچنین مشاوران و روانشناسان می توانند از نتایج این پژوهش در مشاوره روانشناختی نوجوانان ایرانی به منظور مشاوره و درمان موثرتر، بهره بگیرند.

## **اهداف تحقیق:**

هدف کلی این تحقیق، بررسی رابطه بین تعارض ادراک شده والدین با مسائل درون ریزی نوجوانان دختر و پسر دبیرستانی است.

1. تعیین میزان رابطه بین ادراک نوجوانان از تعارض والدین و ابعاد سلامت روان در آنها

2. تعیین میزان رابطه بین ادراک نوجوانان از تعارض والدین و ابعاد عزت نفس در آنها

3- تعیین نقش تعدیل کننده جنسیت در رابطه بین ادراک نوجوانان از تعارض بین والدین و ابعاد سلامت روان و عزت نفس در آنها

## **فرضیه های تحقیق:**

فرضیه کلی این تحقیق، بررسی رابطه بین تعارض ادراک شده والدین با مسائل درون ریزی نوجوانان دختر و پسر در مقطع دبیرستان است.

1. بین ادراک نوجوانان از تعارض بین والدین و ابعاد سلامت روان رابطه وجود دارد.
2. بین ادراک نوجوانان از تعارض بین والدین و ابعاد عزت نفس رابطه وجود دارد.
3. رابطه بین ادراک نوجوانان از تعارض بین والدینی با سلامت روان و عزت نفس با توجه به جنسیت متفاوت است.

### **متغیرهای تحقیق:**

سلامت روان نوجوانان، ادراک نوجوانان از تعارض بین والدین، عزت نفس، جنسیت

### **تعریف مفاهیم تحقیق:**

#### **الف: تعریف نظری**

##### **عزت نفس:**

عزت نفس عبارت است از میزان ارزشی که هر کسی برای خود قائل است، و معمولاً با احساس ارزشمندی مترادف است (بیابانگرد، 1379).

##### **سلامت روان**